

گوشه چشم حافظ به غزلی از مولانا

محمد ایرانفر - گرگان

منهای ملامت به کار گرفته در غزل مولانا، استفاده‌ی حافظ از ترکیباتی نظیر بوالعجبی، باده‌ی عنبی و شیشه‌ی حلبی مسلّم می‌دارد که غزلش در استقبال و تضمین از غزل مولانا سروده شده است. حافظ از اشعار شاعران متقدّم و معاصر خود، از قبیل نظامی، انوری، خاقانی، سعدی، عطار، اوحدی، عماد فقیه، خواجوی کرمانی، سلمان ساوجی و ده‌ها مورد دیگر استقبال و تضمین فراوان به عمل آورده است، بدون این که نامی از آن‌ها به میان آورد. مورد استثنایی فقط ذکر نام کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی است؛ در قصیده‌ی در مدح شاه‌منصور مظفری آن جا که می‌گوید: از گفته‌ی کمال دلیلی بیاورم.

در شعر حافظ موارد دیگری هم هست که نشان می‌دهد از اشعار مولانا استقبال و استفاده‌ی بهینه نموده است. از جمله در یادداشت‌های شادروان دکتر قاسم غنی آمده است: ^۴ ملای رومی غزلی دارد (هله ساقی قدحی ده ز می رنگینم) که شاید حافظ به استقبال آن رفته باشد. (حالیاً مصلحت وقت در آن می‌بینم).

غزل مولانا در حول و حوش یک دیالوگ (گفت‌وگوی نه‌چندان مشکل دور می‌زند که هسته‌ی مرکزی آن در موضوع عشق خلاصه می‌شود. از نظر صور خیال، غزل مولانا آراسته به آرایه‌هایی نظیر مجاز در غمزه‌ی مست است که چشم مست و مخمور را تداعی می‌کند، غماز که استعاره از اشک است، پلاس بولهبی کنایه از حيله‌گری و چند تشبیه، ملامّ، جناس، مراعات‌نظیر و تلمیح است.

غزل حافظ با آن که از حجم و کمیت نازل برخوردار است، ولی از حیث محتوا و اشراف بر موضوعات مذهبی، سیاسی و اجتماعی، طیف وسیع‌تری را از حیث کیفیت دربرمی‌گیرد. از دیدگاه صور خیال، غزل حافظ هم‌سنگ غزل مولانا است، با این برتری مشهود که در غزل مولانا از ایهام خبر چندانی نیست، حال آن که در بیت: جمال دختر رز نور چشم ماست مگر / که در نقاب زجاجی و پرده‌ی عنبی است: سه ایهام تناسب زیبا در دختر رز و نقاب زجاجی و پرده‌ی عنبی به چشم می‌خورد. ^۵

پی‌نوشت‌ها

۱- دیوان حافظ به تصحیح سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، انتشارات جاویدان، تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۶. ۲- صلا: فریادکشیدن. ۳- تضمین مبهم: آن است که شعر تضمین شده و نام شاعر آن چنان معروف باشد که شاعر نیازی به اشاره کردن به آن نبیند. ۴- یادداشت دکتر قاسم غنی در حواشی دیوان حافظ، به کوشش اسماعیل صارمی، انتشارات علمی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۴۰. ۵- حافظ‌نامه، بخش اول نوشته‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۵، ص ۳۴۳.

□ در کلیات شمس تبریزی، غزلی ۱۷بیتی است به مطلع: ربود عقل و دلم را جمال آن عربی / درون غمزه‌ی مستش هزار بوالعجبی؛ خواجه‌ی شیراز در استقبال از غزل مولانا، غزلی در همان وزن و بحر سروده است:

اگرچه عرض هنر پیش یار بی‌ادبی است
زبان خموش ولیکن دهان پر از عربی‌ست
حافظ در این غزل هشت‌بیتی، از قوافی مولانا سود جسته، با این تفاوت که با فعل «است»، غزل خود را مردّف نیز ساخته است. در اکثر دیوان‌های تصحیح‌شده‌ی حافظ، از جمله خانلری، سلیم نیساری، ذوالنور، خرمشاهی و... با اختلاف در ترتیب و توالی ابیات غزل فوق در هشت بیت نگاشته شده است، به استثنای دیوان مصحح انجوی که ده بیت است و دو بیت اختلافی آن بدین گونه است:

دوای درد خود اکنون از آن مفرّح جوی
که در صراحی چینی و شیشه‌ی حلبی‌ست
حسن ز بصره، بلال از حیش، صهیب از روم
ز خاک مکه ابوجهل، این چه بوالعجبی‌ست ^۱
در مصرع دوم بیت: هزار عقل و ادب داشتم من ای خواجه...؛ زنده‌یاد انجوی به‌جای کلمه‌ی صلاح از واژه‌ی صلا ^۲ استفاده کرده‌اند که به‌نظر درست‌تر از صلاح می‌نماید.
حافظ بیت دوم غزل مولانا را با تبدیل «چو» به «که» و افزودن «است» به پایان مصرع دوم، به‌عینه در غزل خود به شکل تضمین مبهم ^۳ آورده است.
مفهوم بیت سوم غزل مولانا در غزل حافظ به شکل زیر دگردیسی یافته است:

سبب مپرس که چرخ از چه سفله‌پرور شد
که کام‌بخشی او را بهانه بی‌سببی‌ست
مصرع دوم بیت ششم مولانا: به پیش عقل محمد، پلاس بولهبی با تغییر در شعر حافظ این‌گونه آمده است: چراغ مصطفوی با شرار بولهبی‌ست.

بیت دهم غزل مولانا، چه چاره دارم؟ غماز من هم از خانه‌ست...، در غزل شماره‌ی ۳۳۳ حافظ قزوینی - غنی به مطلع: نماز شام غریبان چو گریه آغازم / به مویه‌های غریبانه قصه‌پردازم، به شکل زیر مورد استقبال قرار گرفته است:

سرشکم آمد و عییم بگفت روی به روی
شکایت از که کنم؟ خانگی‌ست غمازم
غزل فوق هم بر همان وزن و بحر غزل مورد بحث مولانا است.